

جاودانگی ققنوس خرد ایرانی

مرضیه ترابی | شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، آن عارف حکیم و خردمند نامدار در «منطق‌الطیر» حکایت مرغی به نام «ققنوس» را نقل می‌کند که گویا ریشه اساطیری آن به افسانه‌های رایج در اقوام باستانی حاشیه مدیترانه باز می‌گردد. ققنوس، مرغی است که مرگ او، سرآغاز زایشی دوباره و دوچندان است و از خاکستر ناشی از سوختن، ققنوسی جوان سر بر می‌آورد؛ حکایتی که به تمثیل، بازگوکننده حال دانش و خرد ایرانی است.

طی هزاران سال گذشته، افزون بر مرزهای مادی و زمینی، حدود و ثغور علم و دانش ایرانی هم، بارها و بارها، مورد هجمه دشمنان کج‌اندیش و بد خواه بوده‌است. اما گویی جوهره ذات ایرانی در خود اکسیری دارد که از دل خاکسترهای ناشی از هجوم، گوهری تابناک‌تر از پیش نمایان می‌کند و بدین سان عصری تازه را در تاریخ دانش و خرد ایرانی رقم می‌زند.

این روزها که ترامپ رئیس‌جمهور قمارباز آمریکا، به خیال خام خود، از بازگرداندن ایران به عصر حجر سخن می‌گفت و علم ایرانی را به سخره می‌گرفت، خوب است برای خام‌اندیشان اهرمین تپار و سده‌لوحان پریشان‌روزگار، حکایتی را مرور کنیم که شباهت تام و تمامی به روایت ققنوس دارد. این نوشتار البته قادر نیست حتی ذره‌ای از دریای بیکران تاریخ دانش و خرد ایرانی را بر مخاطب خود عیان کند، اما می‌تواند تلنگری باشد برای بیشتر دانستن و نیک دانستن.

۱ ایرانیان باستان و احیای فرایند تولید دانش تاریخ فلات ایران، سرگذشتی شگفت‌انگیز از تقابل مداوم تمدن ایرانی و توحش مهاجمان وحشی دارد. جغرافیای ایران به گونه‌ای است که همواره در مسیر سیلاب‌های ویرانگر تاریخ قرار داشته‌است؛ از هجوم اسکندر، مقدونی تا یورش‌های بنیان افکن چنگیزخان مغول و تیمورلنگ. با این حال، مطالعه شواهد تاریخی نشان می‌دهد که یک قاعده به ظاهر متناقض در این سرزمین حکم‌فرما بوده‌است: ایران هر چه بیشتر آماج حملات قرار گرفته، نه تنها در علم متوقف نشده، بلکه برای بقا و بازیابی هویت خود، با شدت بیشتری به سمت توسعه علمی و نهادسازی دانش حرکت کرده و این موضوعی است که باید در مرور تاریخی که قصد بررسی آن را داریم، مورد توجه ویژه و دائمی قرار گیرد. علم در ایران باستان بر پایه نیازهای عملی، مدیریت اقلیم خشک و اداره یک سرزمین پهناور شکل گرفت. در دوران هخامنشیان، علم در خدمت زیرساخت‌ها پدید آمد. حفр شبکه‌های عظیم قنات که نیازمند دانش دقیق شب‌سنجی، زمین‌شناسی و محاسبات ریاضی است، شاهکار مهندسی آب در جهان باستان محسوب می‌شود. همچنین، ساخت آب‌راه‌های که دریای سرخ را بر رود نیل و مدیترانه متصل می‌کرد (کانال سوئز باستانی)، نشان دهنده توان بالای محاسباتی ایرانیان است. اما هجوم اسکندر، مقدونی، نخستین ضربه مهلک بر پیکره این تمدن بود. تخت جمشید به آتش کشیده شد و شیرازه اداری و علمی حکومت ایران از هم پاشید. با این وجود، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این هجوم نتوانست روح توسعه‌طلبی علمی ایرانیان را نابود کند. ایرانیان در دوران اشکانیان و سپس ساسانیان، با استفاده از تجربیات گذشته، رویکردی جدید را در تولید و کسب علم پیش گرفتند که به نهادسازی منجر شد. در دوران ساسانی، ایران نه تنها خسارات ناشی از هجوم‌های پیشین را جبران کرد، بلکه بزرگ‌ترین مرکز علمی جهان باستان، یعنی دانشگاه «جندی شاپور» را تأسیس نمود. «جندی شاپور» یک آکادمی جامع علمی بود که در آن دانشمندانی از یونان (رانده‌شدگان از امپراتوری روم)، هند و ایران گرد هم آمدند. در این مرکز، علم پزشکی، نجوم و ریاضیات تدریس و متون علمی ترجمه می‌شد. این نهادسازی نشان می‌دهد که ایران به همت ایرانیان، پس از هجوم‌های بنیان‌کن، به جای انزوا و یاگدازی شدن در حافظه تاریخ، به مرکز ثقل جذب نخبگان جهانی تبدیل شد.

راز ماندگاری و جهش پس از هجوم

پس از بررسی مختصر این مسیر طولانی، باید به این پرسش کلیدی پاسخ دهیم، چه عاملی باعث می‌شود سرزمینی که بارها توسط اسکندرها، چنگیزها و تیمورها شخم زده شده، هر بار در علم توسعه بیشتری پیدا کند؟ پاسخی که می‌توان با توجه به شواهد تاریخی ارائه کرد، در این موارد قابل بررسی است:

۱ ارزش ذاتی خرد در فرهنگ ایرانی: از دیرباز، «دانایی»، در ناخودآگاه جمعی ایرانیان یک ارزش مقدس بوده است. هنگامی که مظاهر و جایگاه‌های فیزیکی ایران می‌شدند، کتاب‌ها و دانش به عنوان تنها سرمایه قابل



نقشه ایران در سال ۱۱۴۲ قمری، تهیه شده توسط ابراهیم عز از دربار عثمانی

۲ عصر طلایی ایران اسلامی پس از تغییرات بنیادین در قرون اولیه اسلامی، ایران وارد دورانی شد که در تاریخ علم به «عصر طلایی» معروف است. برای درک عظمت این دوران، باید به یک واقعیت تاریخی اشاره کرد: دقیقاً زمانی که اروپا درگیر توحش‌فرونی وسطایی، دادگاه‌های تفتیش عقاید، خرافات و شیوع بیماری‌های کشنده به دلیل فقدان ابتدایی‌ترین اصول بهداشتی بود، شهرهای ایران (مانند نیشابور، اصفهان، مرو و بخارا) مملو از بیمارستان‌ها، رصدخانه‌ها، کتابخانه‌های عظیم و حلقه‌های مباحثه علمی بود. در این دوران، تولید علم در ایران به چنان بلوغی رسید که مسیر تاریخ یونان و هند را حفظ کردند، بلکه خود خالق علوم جدیدی شدند که بد نیست مروری بر دو بخش ویژه آن داشته باشیم:

ریاضیات و نجوم: محمد بن موسی خوارزمی با تألیف کتاب «الجبروالمقابل»، علم جبر را به عنوان یک شاخه مستقل در ریاضیات پایه‌گذاری کرد. الگوریتم‌های محاسباتی که امروز پایه علوم رایانه هستند، ریشه در کارهای او دارند. ابوریحان بیرونی در همین دوران، با استفاده از روش‌های پیچیده مثلثاتی، شعاع کره زمین را با تقریب بسیار بالایی محاسبه کرد و در کتاب‌های خود به بررسی امکان حرکت زمین به دور خورشید پرداخت.

پزشکی و شیمی: در حالی که در اروپای قرون وسطی بیماری‌ها را به ارواح خبیثه نسبت می‌دادند، محمدبن زکریای رازی با رویکردی کاملاً تجربی و بالینی، بیمارستان‌های مجهزی را اداره می‌کرد، او الکل و اسید سولفوریک را کشف و پزشکی را بر پایه مشاهدات عینی استوار کرد. پس از او، ابن سینا با نگارش «قانون در طب»، دایره‌المعارفی خلق نمود که تا قرن هفدهم میلادی متن اصلی آموزش پزشکی در دانشگاه‌های معتبر اروپا محسوب می‌شد. این دستاوردها نشان می‌دهد که پایه‌های علمی ایران چنان مستحکم بود که تحولات سیاسی نتوانست مانع از زایش توانبغ در این جغرافیا شود.

۴ دوران گذار، از صفویه تا قاجار و رویارویی با مدرنیته

در دوره صفویه، ایران به یکپارچگی سیاسی دست یافت و در هنر، معماری و فلسفه به پیشرفت‌های شگرفی رسید، اما در علوم تجربی دچار نوعی رکود نسبی شد. با این حال، نیازهای مهندسی همچنان پاسخ داده می‌شد (مانند شبکه‌های پیچیده آب‌رسانی و معماری شهری اصفهان که نیازمند محاسبات دقیق هندسی بود) و بزرگانی مانند شیخ بهایی، گام‌های استواری در این مسیر برداشتند. هنگامی که در دوران قاجار، ایران با

انتقال، توسط نخبگان حفظ می‌گردید و بازسازی مدارس همواره در اولویت پس از جنگ‌ها قرار داشت.

۲ **راهبرد جذب و هضم مهاجمان:** ایرانیان دریافته‌ند که برای حفظ تمدن خود باید نیروی مهاجم را متمدن کنند. وزاری خردمند ایرانی با نفوذ در دربار ایلخانان مغول یا حاکمان ترک‌تبار، آن‌ها را متقاعد می‌کردند که برای حکومت‌داری نیازمند دیوان‌سالاران پزشکان، مهندسان و منجمان ایرانی هستند. این‌گونه بود که بودجه نظامی مهاجمان، صرف ساخت رصدخانه‌ها (مانند مراغه) و دانشگاه‌ها (مانند ربع رشیدی) می‌شد.

۳ **نیازهای اقلیمی و گریزناپذیری دانش:** جغرافیای خشن فلات ایران، مجال



ایران می‌بود؛ اما چنین نشد و این را باید بخشی از واقعیت و توانمندی شگفت‌انگیز تاریخ ایران بدانیم؛ اینکه پس از یک‌ویرانی بی‌سابقه، سرزمین ما شاهد تأسیس پیشرفته‌ترین مراکز علمی زمان خود شد. تحلیل این پدیده به مسئله عمل‌گرایی نخبگان ایرانی بازمی‌گردد. نخبگانی مانند خواجه نصیرالدین طوسی که با شناسایی نقاط قابل نفوذ و استفاده از موقعیت‌های طلایی، به تدریج تمدن ایرانی اسلامی را احیا کردند و به نهادینه کردن ساختارهای دیوانی و علمی ایرانی پرداختند. خواجه نصیرالدین طوسی با استفاده از اعتقاد هولاکو خان به طالع‌بینی، او را متقاعد کرد که برای پیروزی در جنگ‌ها نیازمند رصد ستارگان است. نتیجه این هوشمندی، تأسیس «رصدخانه مراغه» بود. این مکان تنها یک رصدخانه نبود، بلکه یک دانشگاه بین‌المللی با کتابخانه‌ای شامل ۴۰۰ هزار جلد کتاب بود که طوسی آن‌ها را از غارت و نهادم نجات داد.

دانشمندانی از چین تا اندلس در این مرکز به تحقیق پرداختند. کمی بعد، خواجه رشیدالدین فضل‌... همدانی در تبریز، مجتمع عظیم «ربع رشیدی» را بنا نهاد. این مجموعه یک شهرک دانشگاهی کامل بود که شامل دانشکده‌های پزشکی، داروسازی، کتابخانه‌ها، کارگاه‌های کاغذسازی و خوابگاه‌هایی برای دانشجویان سراسر جهان می‌شد.

در دوران تیموریان نیز (با وجود خون‌ریزی‌های تیمورا)، همین روند ادامه یافت و در سمرقند، الغ‌بیگ و غیات‌الدین جمشید کاشانی بزرگ‌ترین رصدخانه و مدرسه ریاضیات را بنا کردند. کاشانی موفق شد عدد «پی» را با دقتی بی‌نظیر تا ۱۶ رقم اعشار محاسبه کند؛ این دقت تا دو سوست‌سال پس از او را رویا دست‌نیافتنی بود. این مصداق‌ها به وضوح نشان می‌دهند که هجوم‌ها، ایرانیان را به سمت نهادسازی‌های بزرگ‌تر و مستحکم‌تر برای حفظ میراث علمی سوق می‌دهد.

۴ دوران گذار، از صفویه تا قاجار و رویارویی با مدرنیته

در دوره صفویه، ایران به یکپارچگی سیاسی دست یافت و در هنر، معماری و فلسفه به پیشرفت‌های شگرفی رسید، اما در علوم تجربی دچار نوعی رکود نسبی شد. با این حال، نیازهای مهندسی همچنان پاسخ داده می‌شد (مانند شبکه‌های پیچیده آب‌رسانی و معماری شهری اصفهان که نیازمند محاسبات دقیق هندسی بود) و بزرگانی مانند شیخ بهایی، گام‌های استواری در این مسیر برداشتند. هنگامی که در دوران قاجار، ایران با

برای فراموشی علم باقی نمی‌گذاشت. حتی پس از کشتارهای عظیم، بازماندگان برای تأمین آب نیازمند مهندسان قنات بودند و برای کشاورزی به محاسبات دقیق نجومی احتیاج داشتند. تقویم جلالی (که خطای آن یک روز در هر ۳۳۰ سال است) حاصل همین نیاز حیاتی و دقت در مدیریت زمان و فصول بود. ضرورت بقا، یکی از مهم‌ترین عوامل تولید و توسعه دانش در تاریخ ایران بوده‌است. نگاهی به شواهد تاریخی آشکار می‌کند که هجوم بیگانگان اگرچه همواره با تخریب زیرساخت‌ها، قتل‌عام نخبگان و ایجاد وقفه‌های مقطعی همراه بوده، اما هرگز نتوانسته‌است موتور تولید علم را در این سرزمین خاموش کند. بر عکس، این بحران‌ها

شهر

شهرخبر SHAHRAKNEWS.IR



تاریخ و هویت

خراسان نامه

درباره یکی از مساجد تاریخی خراسان

مسجدی زیر گنبد کبود!



هادی دقیق| از گذشته تا امروز در میان اندام‌های معماری شهری و روستایی، نیایشگاه‌ها جایگاهی ویژه داشته‌اند. معمولاً سازه نیایشگاه‌ها در ایران طوری ساخته می‌شدند که از بقیه فضاهای معماری متمایز باشند. این قاعده در دوره اسلامی هم تکرار شده‌است. نیایشگاه‌های شهرها و آبادی‌های نخستین، ساختمان‌هایی بزرگ‌تر از بناهای اطرافشان بودند. با وجود این، با گسترش آبادی‌ها، نشانه‌هایی به ساختمان نیایشگاه افزوده شد تا همچنان تفاوت بنا در چشم هر رهگذری مشهود باشد. در دوره اسلامی عناصری مثل سردر بلند و گنبد و… همچنان استفاده می‌شد، اما پیوندهایی مثل آجرکاری و کاشی‌کاری، معماری مساجد را باز هم متمایزتر کرد. در خراسان نیز مساجد زیادی داریم که هر کدام از یک عنصر ویژه برخوردارند تا میان خانه‌های آبادی قدبلندی و عرض اندام کنند. یکی از مساجد تاریخی خراسان، مسجد کبودگنبد کلات نادر است. این مسجد فروردین سال ۱۳۴۶ به عنوان اثری فرهنگی تاریخی در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

شهر کنونی کلات خیابانی بلند و موازی رودخانه است که زندگی اطراف آن جریان دارد. مسجد کبودگنبد نیز در نزدیکی عمارت خورشید در انتهای شهر قرار دارد. این مسجد، بیگانه یادگار تاریخی کلات است که می‌توان از کاشی‌کاری در آن سراغ گرفت. عده‌ای ساخت این مسجد را به دوره سلجوقی نسبت می‌دهند، ولی یک‌بار در دوره نادر و بار دیگر در دوره فتحعلی‌شاه به دست حاکم محلی مرمت شده است. مسجد کبودگنبد به شکل معمول مساجد سبک اصفهانی، از یک هشتی ورودی به صحنی چهارایوانی می‌رسد که زیر فضای گنبد، شبستانی به مراتب بزرگ‌تر از صحن دارد. حمام کنار هشتی و حیاط کوچک جنب گنبد نیز از شاخص‌های این مسجد است. درباره زمان ساخت مسجد اطلاع دقیقی در دست نیست. با این حال، شواهد فراوانی موجود است که شهادت می‌دهد مسجد در دوره‌های مختلف ساخته یا بازسازی شده است، مثل هم‌کلاف‌نبودن گنبد و بنا یا هم‌راستا نبودن گنبد و محور ایوان‌ها.

● تاریخچه مسجد

در «دایرةالمعارف فارسی» غلامحسین مصاحب، ذیل مدخل مسجد کبودگنبد کلات آمده است؛ «ویرانه مسجدی در ده کبودگنبد کلات که ظاهراً بین سال‌های ۱۱۵۵ و ۱۱۶۰ قمری بنا شده است. مسجد دارای گنبدی بود با کاشی‌های کبودرنگ. در سال ۱۲۵ قمری توسط حاکم کلات مرمت شد. بر اثر زلزله سال ۱۲۹۸ قمری و سیل سال ۱۳۱۵ قمری به‌سختی آسیب دید.» جلد نخست این دایرةالمعارف سال ۱۳۴۵ خورشیدی منتشر شده است. اشاره به مسجدی ویران، در اواسط دهه چهل خورشیدی بیراه نیست؛ تصاویر و گزارش‌های ثبت ملی بنا وضعیت اسفبار مسجد کبودگنبد در آن زمان، یعنی سال ۱۳۴۶ خورشیدی که بنا ثبت ملی شد، نشان می‌دهد. در نتیجه، بخش بزرگ مسجدی که امروز می‌بینیم، از جمله تمام کاشی‌کاری‌های گنبد مرمت شده است.

یکی از بخش‌های اصلی مساجد تاریخی، گنبدخانه است. گنبدخانه مسجد کبودگنبد در شرق بناست و دو ورودی، یکی از ایوان شرقی حیاط مرکزی و یکی از بیرون مسجد دارد. برخلاف شکل کلی مساجد چهارایوانی که گنبد پشت یکی از ایوان‌های حیاط است، گنبد این مسجد از محور اصلی بیرون است و از ایوان، مستقیم دسترسی ندارد. پژوهشگران این موضوع را یکی از دلایل قدیمی تریودن گنبدخانه دانسته‌اند، یعنی ابتدا فضای گنبدخانه ساخته شده و پس از آن، بقیه بنا به آن افزوده شده است. این موضوع، گمانه‌زنی‌هایی هم درباره مقبره بودن گنبدخانه ایجاد می‌کند که اسناد آن هم کم نیست. شواهد موجود نیز چیزی شبیه برج مقبره را تداعی می‌کند. نکته دیگر اینکه باستان‌شناسان در پی‌گردی بنا در دهه ۷۰ به این نتیجه رسیدند که آجرهای بی گنبد با دیگر بخش‌های این مسجد هم‌کلاف نیست و همین هم دلیل دیگری است بر اختلاف زمانی ساخت گنبدخانه با دیگر اجزای مسجد. علاوه بر این، ایوان‌های صحن مسجد هم با هم تناسب ندارند، فضای درون دو ایوان پنج ضلعی و دو ایوان دیگر، سه ضلعی است که همین هم می‌تواند نشانگر ساخت‌وساز در دوره‌های متفاوت باشد. در نتیجه، می‌شود با کمی قطعیت، ساخت مسجد و تزئینات آن را به دوره‌های تاریخی گوناگون نسبت داد. البته شواهد محکمی از جمله کتیبه هم در بنا موجود است که بیشتر این اقدامات عمرانی در دوره افشاریان و قاجاریان ایجاد شده است.



● زیر گنبد کبود

گنبد مسجد تاریخی کلات، پایه‌ای استوانه‌ای دارد و ارتفاعش به ۲۵ متر می‌رسد. این مسجد به دلیل کاشی نره لاجوردی که روی گنبد آن کار شده، به کبودگنبد معروف شده است. با وجود این، بخش بزرگی از تزئینات گنبد در دوره‌های گذشته فروریخته است. گنبد مسجد با کاشی‌های هفت‌رنگ تزئین شده است. طرح اصلی کاشی‌های مسجد چه زیر ایوان‌ها، چه دیوارهای حیاط و چه گنبد، نقوش هندسی، اسلیمی و گل‌بوته است. با وجود این، در گنبد فقط نقوش هندسی دیده می‌شود و از نقوش گیاهی خبری نیست. روی ساقه گنبد ترکیبی از طرح‌های هندسی و نام حضرت علی^(ع) روی کاشی کار شده است. خود گنبد نیز نقوشی با طرح‌های لوزی دارد.

سال ۱۴۰۲ در پی حفاری باستان‌شناسان در عمارت خورشید، بقایای سازه‌ای که احتمالاً سردر باشد، در شرق بنا و ورودی اصلی آن که رو به مسجد و مقبره کبودگنبد است، یافت شد. تاریخ بی‌ریزی مسجد کبودگنبد چندین سده از عمارت خورشید عقب‌تر است. خود عمارت خورشید نیز با کبودگنبد در یک راستاست، یعنی بنا را طوری با کمی زاویه نسبت به جهات اصلی ساخته‌اند تا احتمالاً ورودی اصلی آن رو به گنبد مسجد یا مقبره باشد. بر سردر ورودی مسجد کتیبه‌ای مربوط به تعمیرات سال ۱۲۵۰ قمری هست. در فضای گنبدخانه نیز چند سنگ مزار وجود دارد که از آن جمله می‌شود به سنگ مزار صید خان، پسر فتحعلی خان، به تاریخ ۱۲۴۶ قمری اشاره کرد. وجود این قبرها هم از دلایلی است که احتمال کاربری مقبره را برای بنای کبودگنبد بیشتر می‌کند. با وجود این، کبودگنبد امروز مسجد اصلی شهر کلات است که بیشتر مراسم‌های مذهبی در آن برگزار می‌شود.